



University of Tehran Press

Analysis and Evaluation of the Cognitive Model of the Academy of Islamic Sciences in the Production of Islamic Humanities

Marzieh Abdoli Masinan^{1*}  Azam Barghamadie² 

1. Corresponding Author, Department of Medical Sciences, School of Medicine, University of Tehran, Tehran, Iran, Email: u.abdoli@gmail.com

2. Graduate level three, Islamic Theology, Email: azambarghamadiesabz@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: 2025 January 7

Revised: 2025 March 12

Accepted: 2025 April 5

Published online 2025 June 02

Keywords:

Model,

Cognitive model evaluation,

Academy of Islamic Sciences,

Islamic Humanities,

Methodology

ABSTRACT

The analysis and evaluation of the cognitive model of various approaches to religious science, with a more precise representation of possible models in the production of religious knowledge, facilitates the creation of greater consensus and agreement among believers in religious science. It represents a practical step towards advancing the literature of religious science and moving away from abstract discussions. The evaluation of the cognitive model of these approaches centers around three general and main components: the definition of the model, theoretical and philosophical foundations; the logic and methodology of knowledge production; and the coherence, systematization, and internal consistency. Under these components, another set of subsidiary elements can be extracted, reflecting the most significant positions of challenge and conflict in the methodology of producing religious knowledge. In this writing, while acknowledging the epistemological, ethical, and cultural necessities of religious science, a descriptive-analytical method was employed to evaluate the cognitive model of the Academy of Islamic Sciences based on the aforementioned elements. The approach of the Academy of Islamic Sciences, due to its focus on the main general components and most of the subsidiary elements, is one of the possible models in the path of producing Islamic humanities. However, reaching an effective model that is agreed upon by the majority of believers in religious science requires convergence, reform, enhancement, and completion.

Cite this article: Abdoli Masinan, M. & Barghamadie, A. (2025). Analysis and Evaluation of the Cognitive Model of the Academy of Islamic Sciences in the Production of Islamic Humanitie. *Philosophy of Religion*, 22, (1), 31-47 .
<http://doi.org/10.22059/jpht.2025.388166.1006096>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.388166.1006096>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

تحلیل و ارزیابی مدل شناختی دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی در تولید علوم انسانی اسلامی

مرضیه عبدلی مسینان^۱ اعظم برغمندی^۲

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. رایانامه: u.abdoli@gmail.com
۲. دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قاسم بن الحسن. رایانامه: azambarghamadiesabz@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۱۲

کلیدواژه:

ارزیابی مدل شناختی،

روش‌شناسی،

علوم انسانی اسلامی،

فرهنگستان علوم اسلامی،

مدل.

تحلیل و ارزیابی مدل شناختی رویکردهای مختلف علم دینی با بازنمایی دقیق‌تر مدل‌های ممکن در تولید علم دینی زمینه ایجاد اجماع و توافق بیشتر میان باورمندان علم دینی را فراهم می‌کند و گامی عملیاتی در مسیر پیشبرد مباحث علم دینی و خروج از مباحث انتزاعی علم دینی محسوب می‌شود. ارزیابی مدل شناختی این رویکردها با محوریت سه مؤلفه عام و اصلی ناظر بر تعریف مدل و مبانی نظری و فلسفی، منطق و روش‌شناسی تولید علم، انسجام و نظام‌مندی و سازگاری درونی است که ذیل آن مجموعه دیگری از مؤلفه‌های فرعی ناظر بر مهم‌ترین مواضع چالش و نزاع در روش‌شناسی تولید علم دینی قابل استخراج است. در این نوشتار، ضمن اذعان به ضرورت‌های معرفتی و اخلاقی و فرهنگی علم دینی، به روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی مدل شناختی رویکرد فرهنگستان علوم بر اساس عناصر پیش‌گفته پرداخته شد. رویکرد فرهنگستان علوم اسلامی به دلیل پرداختن به مؤلفه‌های عام اصلی و اکثر مؤلفه‌های فرعی یکی از مدل‌های ممکن در مسیر تولید علوم انسانی اسلامی است؛ گرچه تا رسیدن به مدل کارآمد که مورد اجماع اکثریت باورمندان علم دینی باشد نیازمند همگرایی، اصلاح، ارتقاء، و تکمیل است.

استناد: عبدلی مسینان، مرضیه و برغمندی، اعظم (۱۴۰۴). تحلیل و ارزیابی مدل شناختی دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی در تولید علوم انسانی اسلامی. *فلسفه دین*، ۲۲ (۱)، ۳۱-۴۷.

<http://doi.org/10.22059/jpht.2025.388166.1006096>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان



DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.388166.1006096>

مقدمه

اندیشه‌ی احیای تمدن اسلامی و همچنین استیلای گفتمان اسلامی در سده‌های اخیر دغدغه‌ی اصلی رهبران جوامع اسلامی بوده است. اندیشمندان معتقدند که برای گذر از افول تمدن اسلامی باید در مسیر تحقق یک جامعه‌ی ایده‌آل دینی حرکتی فعالانه، موجه، و برابر با جلوه‌ها و تجلیات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مدرنیته را داشت. ایشان علوم انسانی را یکی از مهم‌ترین عناصر نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی می‌دانند. ایده‌ها و دیدگاه‌های مختلفی از سوی باورمندان علم دینی تاکنون طرح شده است و بزرگانی چون علامه طباطبائی، شهید مطهری، امام خمینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله جوادی آملی، و... در این حوزه نظریه‌پردازی کرده‌اند. لیکن با وجود شاخصه‌ها و ویژگی‌های مثبت به دلیل عدم دربرداشتن ارکان و ویژگی‌های مدل کارا به‌خصوص روش‌شناسی ژرف‌نگر و مستند گام‌های عملیاتی مؤثری در این عرصه مشاهده نشده است. بنابراین خروج از مباحث انتزاعی و گام برداشتن در جهت پیشبرد ادبیات علم دینی به لحاظ عینیت‌بخشی و کارایی عملی به‌ویژه در حوزه‌ی روش‌شناسی از ضروریات جامعه‌ی علمی امروز در نیل به هدف یادشده است. از این رو در این پژوهش بر آن شدیم تا ضمن تعریف مدل و مؤلفه‌های مدل شناختی دیدگاه ارائه‌شده فرهنگستان علوم اسلامی را که از مدعیان جدی همین مسیر است بر اساس روش‌شناسی و میزان قابلیت اجرایی شدن آن به لحاظ مدل شناختی مورد بررسی قرار دهیم. فرهنگستان علوم اسلامی توسط سید منیرالدین حسینی‌الهاشمی تأسیس شده است و پس از آن توسط شاگردان ایشان به‌خصوص حجت الاسلام والمسلمین محمدمهدی میرباقری توسعه یافته است. منظومه‌ی فکری سید منیرالدین متفاوت از علوم رایج در حوزه‌های علمیه بود. ایشان علاوه بر دغدغه‌ی حجت در فهم و استنباط از دین دغدغه‌ی کارآمدی و منتج بودن دین را نیز داشتند. به عبارت دیگر از نگاه تمدنی ایشان دین باید رهبری تکامل عینی جامعه را بر دوش بکشد. فرهنگستان علوم اسلامی قم به دنبال مدلی است تا از منابع معرفتی‌طوری استفاده کند که هر سه معیار کارآمدی و منتجه بودن، قاعده‌مندی، و حجت را به صورت هم‌زمان داشته باشد؛ به گونه‌ای که نسبت بین معارف به‌دست‌آمده بر محوریت وحی باشد. بنابراین از آنجا که هر یک از معارف نظری و حسی روش متفاوتی با معارف نقلی دارند اما در برخی نقاط تماس و اصطکاک نیز با هم دارند، این مسئله اقتضا می‌کند که روش‌ها هماهنگ باشند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۲). روش تحقیق تکاملی در منظومه‌ی روش‌شناسی فرهنگستان برای رسیدن به اهداف فوق معرفی شده است. در این حوزه نوشتارهای مختلفی در قالب‌های متعدد پژوهش علمی عرضه شده است که از توصیف تا نقد عمدتاً معرفت‌شناختی این دیدگاه را در بر می‌گیرد. اما این پژوهش ۱. با تعریف ابتکاری نگارنده از مدل و مؤلفه‌های مدل شناختی ناظر بر مهم‌ترین چالش‌ها و محل‌های نزاع در علم دینی، ۲. رهیافت ارزیابی مدل شناختی، ۳. تأکید بر مؤلفه‌های فرعی روش شناختی در تبیین مدل نسبت به آثار موجود دارای وجوه امتیاز و نوآوری است.

به نظر می‌رسد پیچیدگی و غامض بودن ادبیات این مدل و به بیان خود ایشان شکاف میان «زبان تولید» و «زبان توزیع» سبب عدم اجماع سایر باورمندان علم دینی بر این مدل شده است. فرهنگستان حسب ادعا در مقام اثبات برتری حداقلی خود بر سایر مدل‌ها باید بتواند در مقام پاسخ‌گویی به نیازهای عینی زمان برتری خود را بر سایر مدل‌ها نشان دهد و برای این منظور لازم است اندیشه‌های یادشده در دسترس اهل علم قرار بگیرند و ثانیاً قابلیت فهم و هم‌زبانی و تعامل و گفت‌وگو را با نظریات رقیب پیدا کنند. اما به‌رغم این دغدغه (پاسخ‌گویی و در دسترس بودن) یا به دلیل نقص ذاتی (درونی) اندیشه‌های فرهنگستان یا به دلیل ضعف اجرایی این هدف محقق نشده است. به نظر می‌رسد این پژوهش گامی هرچند کوچک در زمینه اجماع، همگرایی، و اقبال دیگران در مسیر دستیابی به اهداف پیش گفته باشد.

مفهوم‌شناسی علوم انسانی اسلامی

تعاریف مربوط به علوم گاهی موضوع‌محور، گاه غایت‌محور، گاه روش‌محور، و گاه جامع‌نگر هستند (ربانی گلپایگانی ۱۳۹۷: ۱۳ - ۲۰). از منظر فرهنگستان، علوم و موضوعات علوم خارج از نظام اراده‌ها نیستند و علوم‌ی که موضوعات آن‌ها اراده‌های مافوق انسان عادی باشد (اراده‌ی الهی، ولات تاریخی و کلام و متون حامل این اراده) علوم پایه و علوم‌ی که با اعمال اراده‌ی انسانی

موضوعات آن‌ها پیدایش یافته‌اند (مانند ادبیات، جامعه‌شناسی، هنر، معماری، اقتصاد، و...) علوم انسانی محسوب می‌شوند (پیروزمند و جهان‌بخش، ۱۳۹۷: ۱۹). از نظر این گروه در یک تعریف کارکردی علم اسلامی علمی تعریف می‌شود که منجر به تسهیل جریان ولایت در شئون مختلف می‌شود. در یک تعریف فرایندی دیگر نیز می‌توان علم انسانی اسلامی را علمی دانست که پیدایش و تغییرات آن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. به عبارتی در تولید آن تلاش می‌شود کنترل فرایندی دین بر کل مراحل تولید علم حاکم شود (پیروزمند و جهان‌بخش، ۱۳۹۷: ۲۶). چنان که ملاحظه شد تعاریف فرهنگستان از علم و علم اسلامی بر نوع جهت‌گیری خاص معرفت‌شناسی ایشان در مورد تعریف علم، نقش اراده و انگیزه در علم، و تأثیر تولی به ولایت الهیه در حقانیت یک علم تمرکز دارد.

مفهوم‌شناسی مدل

مفهوم مدل معانی و کاربردهای متفاوتی در علوم انسانی و در حوزه علوم اجتماعی دارد. کاپلان با اشاره به استفاده و کاربرد این واژه در علوم اجتماعی از «استفاده گنج‌کننده و غالباً مبهم این واژه» سخن می‌گوید. از منظر بلیکی در تبیین انواع مدل، توصیف‌های انتزاعی (ابتدایی‌ترین کاربرد مدل‌ها در علوم اجتماعی)، نظریه (برخی مدل را نه تنها مترادف با نظریه می‌دانند بلکه حتی آن را با «پارادایم»، «فرضیه»، و حتی «تصورات» هم به صورت علی‌البدل به کار می‌برند)، مدل مفهومی (مدل مفهومی می‌کوشد جهان اجتماعی را بر حسب آرایشی از مفاهیم مرتبط با یک طرح مفهومی نمایش دهد)، مدل نظری (کاربرد رایج دیگری از واژه مدل، ترکیب آن با نظریه، و تشکیل اصطلاح مدل نظری است)، از اقسام تعاریف به کاررفته از مدل در علوم اجتماعی است. ویلر کوشیده است این اصطلاح ترکیبی را با دقت و وسواس در تشریح رابطه نظریه مورد استفاده قرار دهد؛ تمثیلی از مکانیسم‌ها، بازنمودهای ریاضیاتی، بازنمودهای نموداری (بلیکی، ۱۳۹۱: ۲۱۳-۲۱۵). آنچه از تعریف مدل در این نوشتار مد نظر است، گرچه می‌توان گفت تا حدودی با معنای مدل مفهومی قرابت و مشابهت دارد، فارغ از کاربردهای علوم اجتماعی و بیشتر جعل اصطلاح است. مقصود ما از مدل در این نوشتار با تأکید بر مؤلفه روش شناختی در تولید علم یک چارچوب فکری و نظری است که بیانگر مسیر یک فعالیت علمی است که از اصول و مبانی فلسفی و نظری می‌آغازد و تا ورود به واقعیت علمی ادامه می‌یابد. مدل مسیر تولید علم را به گونه‌ای منسجم و هماهنگ از مبانی و اصول نظری تا ورود به واقعیت علمی مشخص می‌کند. مدل به لحاظ مفهومی مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از مبانی و پیش‌فرض‌های متافیزیکی و فلسفی علم است و به لحاظ منطقی و متدولوژی مشخص‌کننده و دربردارنده عناصر و مؤلفه‌های روش شناختی تولید علم است. از این رو هر مدلی مشتمل بر سه عنصر اصلی و اساسی مبانی و مبادی و اصول نظری و فلسفی، منطق و روش‌شناسی تولید علم، انسجام و نظام‌مندی و سازگاری درونی است.

مؤلفه‌های عام (اصلی و فرعی) و خاص مدل شناختی

مؤلفه‌های مدل شناختی در گام اول به دو دسته مؤلفه‌های عام مدل شناختی و مؤلفه‌های خاص مدل شناختی قابل تقسیم‌اند. مؤلفه‌های عام شامل عناصر و مؤلفه‌هایی است که هر مدل تولید علمی بدون لحاظ وجه اسلامی یا دینی بودن دارد. مؤلفه‌های عام به دو دسته اصلی و فرعی قابل تقسیم‌اند. مؤلفه‌های عام اصلی سه عنصر پیش‌گفته‌اند که مقوم تعریف مدل نیز هستند که از نظر نگارنده معیار و ملاک دآوری مدل شناختی دیدگاه‌های علم دینی محسوب می‌شوند و عبارت‌اند از: ۱. تبیین دقیق مبانی و بنیادهای نظری علم؛ ۲. تبیین صحیح روش‌شناسی تولید علم؛ ۳. نظام‌مندی، انسجام، انضباط، و سازگاری میان همه مراحل و مراتب و مؤلفه‌های دخیل در تولید علم. ذیل این سه عنصر اصلی مجموعه‌ای دیگر از مؤلفه‌های فرعی مدل شناختی به دست می‌آیند که این مؤلفه‌های فرعی مستخرج و از لوازم مؤلفه‌های عام اصلی‌اند. از آنجا که استقرای این مؤلفه‌ها بر اساس مهم‌ترین چالش‌ها و محل‌های نزاع در پیشبرد عملیاتی‌تر ادبیات بحث علم دینی است، ملاک در مدل بودن رویکردها برخورداری از مؤلفه‌های عام اصلی و در عین حال برخورداری حداکثری از مؤلفه‌های فرعی است.

در بحث از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مدل شناختی که ملاک ارزیابی ما در استخراج و ارزیابی مدل است تأکید بر مؤلفه روش شناختی است. روش‌شناسی در هر حوزه علمی وابستگی و ارتباط عمیقی با هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی موضوع تحقیق دارد.

از این رو، با توجه به ابتدای روش‌شناسی علم بر معرفت‌شناسی و ابتدای معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی ذیل مؤلفه عام و اصلی تبیین روش‌شناسی مجموعه‌ای از عناصر و مؤلفه‌های فرعی نیز پدیدار می‌شوند. در قالب مثال، از آنجا که موضوع علوم انسانی انسان است پس به لحاظ هستی‌شناختی خاص بحث از انسان‌شناسی تأثیر عمیقی در روش‌شناسی تولید علم دارد. بنابراین با توجه به کاربست مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی (مشمول بر عناصر علم شناختی) در فرایند تولید علم دینی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های فرعی مدل شناختی در روش‌شناسی تولید علم پدید می‌آید. در مثال آورده‌شده، تنوع منابع معرفتی و نیز تکثر روش شناختی دو مؤلفه فرعی مدل شناختی است که متأثر از نوع نگاه اسلامی به انسان به عنوان موضوع علوم انسانی است (هستی‌شناسی) و به دنبال آن تجویز نگاه معرفت‌شناسی خاص خود است که دو مؤلفه فرعی یادشده را پدید می‌آورد. از مؤلفه‌های فرعی استخراجی از مؤلفه‌های اصلی نام‌برده می‌توان به تبیین صحیح نظریه‌پردازی و چگونگی مراحل آن، ارائه نظریات و مدل‌ها بر اساس نیازمندی‌ها، تبیین جایگاه تجربه در تولید علم دینی، به‌کارگیری روش‌های تلفیقی در مطالعات علوم انسانی، رویکرد اسلامی در توسعه و پیشرفت علوم، انگیزه و اراده مقومات علمی، تأثیرگذاری متافیزیک بر علم، پرهیز از نسبی‌گرایی در علم، ترکیب عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در تولید علم، تنوع منابع معرفتی و تکثر روش شناختی، ورود به عرصه نظریه‌پردازی و پر کردن شکاف نظریه و اقدام و... اشاره کرد (عبدلی مسینان، ۱۳۹۹: ۵۲۲ - ۵۳۵).

در مدل دینی تولید علم مجموعه دیگری از مؤلفه‌ها که ناظر به وجه دینی بودن (اسلامیت) است پدید می‌آید که از آن به مؤلفه‌های خاص تعبیر می‌کنیم. دیدگاه‌های مختلف موافقان علم دینی هر یک وجه اسلامیت و دینی بودن علم دینی را در برخی از مؤلفه‌ها چون مبانی، روش، غایت، فرضیه‌سازی و نظریه‌سازی، جهت‌کاربرد، و... می‌دانند. استخراج گزاره‌های علمی از متون دینی، اخذ مبانی متافیزیکی علم از دین، کاربست روش‌شناسی دین در استخراج گزاره‌ها، به‌کارگیری غایات و اهداف دینی، فعالیت علمی در بستر فرهنگ و نیازمندی‌های جامعه دینی، و... از وجوه دینی بودن علم از منظر اندیشمندان مختلف علم دینی می‌باشد. به نظر می‌رسد علم دینی تعبیری نسبی و مقول به تشکیک است و طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد. علم دینی با اشتغال بر همه عناصر پیش‌گفته در بالاترین سطح شایسته دینی نامیدن است و به هر میزان که فاقد این عناصر و مؤلفه‌ها باشد از میزان دینی بودن آن کاسته می‌شود اما اینکه قدر متیقن از وصف دینی بودن کدام‌یک از ملاک‌ها و معیار است. در وهله اول به رویکرد ما در ارائه مدل علم دینی، یعنی حوزه ای از دانش که قصد استخراج علم دینی در آن داریم - علوم تجربی طبیعی یا انسانی - و در وهله دوم به فهم اجتهادی ما از متون دینی بستگی دارد. با این توضیح مقصود از وصف «دینی یا اسلامی» در کاربست «مدل علوم انسانی اسلامی» همان اجتهادی بودن این مدل و بهره‌گیری از متون دینی در استخراج گزاره‌های علم دینی از متون دین با روش اجتهادی یا استنباطی است. اگرچه در معنای اجتهاد متعارف توسعه‌هایی از سوی برخی طراحان مدل (خسروپناه و عاشوری، ۱۳۹۴: ۲۹۲) صورت گرفته است، این نوشتار صرفاً این مدل را بر اساس مؤلفه‌های عام اصلی و فرعی مورد ارزیابی اجمالی قرار می‌دهد و ارزیابی مدل شناختی بر اساس مؤلفه‌های خاص روش شناختی، که ناظر بر وجه اسلامیت این مدل به نحو خاص است، مجال دیگری غیر از نوشتار حاضر می‌طلبد.

تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌های عام - اصلی مدل شناختی در دیدگاه فرهنگستان

تعریف مدل و مؤلفه‌های آن با عنایت به مهم‌ترین چالش‌ها و محل‌های نزاع در تولید علم دینی، نقاط ضعف و قوت دیدگاه‌ها، و با عنایت به آنچه در مسیر تکون یک علم ضروری است تنظیم شده است. البته استقرار نگارنده از همه مؤلفه‌های فرعی لازم یا ضروری تولید علم تام نیست؛ بلکه هدف تنها برشمردن مهم‌ترین مؤلفه‌های مدل شناختی در مسیر تولید علوم انسانی اسلامی است. به نظر می‌رسد برشمردن موارد یادشده در این حد نیز بتواند میزان و معیارهای قابل قبولی را در تحلیل و ارزیابی مدل شناختی و استکشاف مدل از رویکردهای موجود فرارویمان قرار دهد.

تبیین دقیق مبانی و بنیادهای نظری علم

از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین مراحل تولید علم دینی تبیین مبانی است. پیش‌فرض‌ها و مبادی علوم به عنوان زیربنای علم محسوب می‌شوند. مبانی و اصول با جهت‌گیری‌ها و سنجش مسائل علم در هویت علم اثر می‌گذارند. از جمله این مبانی می‌توان به مبانی

هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی اشاره کرد. بنابراین محققان فرایند تولید علمی خود را مبتنی بر یک پارادایم یا متافیزیک علم پیش می‌برند (باقری، ۱۳۹۰: ۲۸ - ۲۹). در کیفیت اتخاذ عوامل متغیر در موضوعات اجتماعی، از جمله تحقیقات، مبانی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. بنابراین در مدل‌سازی باید کیفیت ارتباط و تأثیرگذاری آن مبنا بر انتخاب عوامل به صورت واضح قابل پیگیری باشد. مبانی می‌توانند بر اهداف و کاربرد و بر روش علوم تأثیرگذار باشند (عبدلی مسینان، ۱۳۹۹ الف: ۷۲ - ۷۴).

مهم‌ترین ویژگی مدل فرهنگستان علوم اسلامی علاوه بر پرداختن به مبانی و بنیادهای نظری و ارائه مدل در قالبی منسجم و نظام‌مند طی فرایندی چندمرحله‌ای جهت تدوین یک روش‌شناسی کارا و منتج است. توجه مدقانه و تأکید بر مباحث روش‌شناختی و معرفت‌شناختی علم دینی از شاخصه‌های اصلی این مدل محسوب می‌شود. ایشان معتقدند اسلامی شدن علوم به اسلامی شدن روش‌شناسی آن‌هاست. فرهنگستانی‌ها به نقش مبانی بر علوم انسانی اشراف دارند و این آگاهی هم‌سو با دیگر موافقان علم دینی است؛ لیکن ثقل تمایز مدل فرهنگستان از سایر مدل‌ها توجه ویژه به مبانی معرفت‌شناختی نسبت به سایر مبانی و کاربری روش‌شناختی این مبانی در مدل تولید علم دینی است که در اندک مدل‌های علم دینی داخلی بدان پرداخته شده است؛ اگرچه در تحلیل و ارزیابی این مبانی به‌ویژه مبانی معرفت‌شناختی با محدودیت‌ها، چالش‌ها، و ابهاماتی از سوی منتقدان خود روبه‌روست.

مبانی هستی‌شناسی

فرهنگستان در تفسیر هستی، نه بر پایه وجود، عالم را تفسیر می‌کند، نه بر پایه ماهیت؛ بلکه نظام آفرینش را بر پایه ولایت و تولی تفسیر می‌کند. از این نظر مفاهیم ماهیت و وجود نمی‌توانند از عهده حل معضلات هستی‌شناختی برآیند. مفهوم وجود نمی‌تواند نظام کثرات را توضیح دهد و مفهوم ماهیت هم نمی‌تواند وحدت هستی را توضیح دهد (بیات، ۱۳۹۰: ۲۰). دفتر فرهنگستان با گذار از اصالت ماهیت و وجود اصالت فاعلیت را تبیین می‌کند (خسروپناه، ۱۳۹۴ الف: ۱۸۴). بر اساس فلسفه نظام ولایت، زمان و مکان، وحدت و کثرت، اختیار و آگاهی تفسیر جدیدی پیدا می‌کنند. فرهنگستان معتقد است فلسفه فعلی فلسفه چپستی و چرایی است که توان امتداد یافتن و عینیت در جامعه را ندارد. بنابراین، برای حضور عینی دین در جامعه نیازمند تدوین فلسفه‌ای هستیم که به چگونگی و کنترل حرکت در عینیت بپردازد. فلسفه شدن فلسفه چگونگی است و از همین زاویه به پیدایش تغییرات و تکامل چپستی و چرایی نیز می‌نگرد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۹ - ۱۰۰). برای اینکه فلسفه کاربردی شود باید در مفاهیم کاربردی نیز به کار گرفته شود (خاکی قراملکی، ۱۳۹۱: ۴۷۳ - ۴۷۴). فلسفه و منطق کارا، که زمینه تولید مفاهیم و معادلات جدید باشد، از لوازم تمدن‌سازی است (رضایی، ۱۳۹۵: ۶۵۲). سیر تولید فلسفه شدن در فرهنگستان از اصول غیر قابل انکار شروع می‌شود که این اصول عبارت‌اند از تغییر فی الجمله، تغییر فی الجمله، هماهنگی بالجمله. بعد از اصول غیر قابل انکار مسئله نسبت است که از مسائل اغماض‌ناپذیر محسوب می‌شود. پس از آن مراحل اجتناب‌ناپذیر و به دست آوردن یک مفهوم پایه جهت هماهنگ‌سازی کل موضوعات و احکام دستگاه فلسفی است که با معرفی اصالت ربط، اصالت تعلق، و در نهایت اصالت فاعلیت امکان دستیابی به فلسفه نظام ولایت یا فلسفه شدن را مهیا کرده است (میرباقری، ۱۳۸۲؛ بیات، ۱۳۹۰: ۲۰ - ۲۲).

مبانی انسان‌شناسی

مطابق با انسان‌شناسی مدل فرهنگستان علوم اسلامی، مراتب وجودی انسان به سه ساحت روح و ذهن و جسم در یک نظام طولی تقسیم می‌شود (خاکی قراملکی، ۱۳۹۱: ۴۹۳). روح کانون نظام حساسیت‌های انسان، تعلقات انسانی، و تمایلات انسانی معرفی می‌شود و ذهن مرکز ادراکات، مفاهیم، و علوم و جسم مجمع حصول کنش‌ها معرفی می‌شود (خاکی قراملکی، ۱۳۹۱: ۴۹۴) و اختیار و اراده انسان بر این مراتب حاکمیت دارد؛ یعنی اختیار و اراده انسان فقط در حوزه عمل خارجی نیست. انسان در تمام عرصه‌های وجودی خود اختیار دارد و مسئول است. به عبارتی، اختیار در حوزه اعمال روحی و فکری و ذهنی انسان و در عرصه‌های مختلف وجودی انسان هم اثر دارد و حاکم است. البته ظرفیت اختیار انسان محدود است و درون نظامی قرار گرفته است که از جهات مختلف به آن قید می‌خورد. انسان وقتی شروع به اندیشیدن می‌کند یا در دستگاه نور تکوین می‌اندیشد یا در

دستگاه ظلمانی تکوین می‌اندیشد. همچنین به لحاظ بستر اجتماعی و تاریخی و فردی نیز اندیشه از ابعاد اخلاقی، ارزش‌های جمعی، رفتار جمعی، و باور جمعی تأثیر می‌پذیرد و تکامل پیدا می‌کند. بنابراین انسان علاوه بر اینکه نسبت به اخلاق خود مسئول است نسبت به افکار خود نیز مسئول است (میرباقری، ۱۳۹۸ الف).

مبانی معرفت‌شناسی

در فرهنگستان علوم اسلامی با رویکرد معرفت‌شناسی تصویر خاصی از علم و چگونگی و شدن فهم وجود دارد (دفتر جنبش نرم‌افزاری و توسعه علوم اسلامی، ۱۳۸۷: ۳ - ۴). به طور کلی دو نوع جهت‌گیری برای علوم متصورند. اگر جریان تکامل یک علم و جهت‌گیری حاکم بر آن متأثر از تولی به ولایت الهیه باشد، آن علم حق است و اگر متأثر از عصیان الهی و تولی به ولایت شیطان، باشد آن علم باطل است (سبحانی و سعدآبادی، ۱۳۹۲: ۹۷). از این رو مطابق مبانی معرفت‌شناختی فرهنگستان اصل فاعلیت به جای اصل علیت در فرایند فهم، اصل تناسب ادراک یا واقع به جای انکشاف واقع اصل تأثیر اراده و اختیار در چگونگی فهم، جایگزینی معیار ارزیابی گزاره‌ها از صدق و کذب به حق و باطل مورد توجه است. معیار حق و باطل نیز با وحی (اطاعت و عصیان الهی) مشخص می‌شود. نتیجه اینکه اگر اراده شخص در فرایند فهم مطابق با اطاعت الهی باشد، فهم او حق است؛ والا باطل است. تا اینجا جهت‌داری علم به معنای گزاره‌ها اثبات شد و از آنجا که علوم به معنای جامع و کلی آن چیزی جز مجموعه‌ای از همین گزاره‌ها نیستند جهت‌داری علوم مختلف نیز ثابت می‌شود (نورافشان و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۳ - ۱۰۱).

برای روشن‌تر شدن مسئله می‌توان این دو مقدمه را افزود: علوم به صورت اجتماعی تولید می‌شوند و یک علم نتیجه برآیند اراده‌های یک جامعه است (میرباقری، ۱۳۹۱: ۱۳؛ جمالی، ۱۳۹۳: ۱۸۷). در جبهه حق اراده نبی اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) اراده‌های مادون را هدایت می‌کند و در جبهه باطل شیاطین جن و انس و طواغیت نقش محوری دارند (میرباقری، ۱۳۹۲: ۱۳). قرار دادن اصل فاعلیت به جای اصل علیت، تناسب صورت با خارج به جای تطابق آن دو، ارزیابی معرفت با سنجه حق و باطل به جای صدق و کذب، نسبیّت در فهم، و آمیختگی انگیزه و انگیزه از مهم‌ترین مواضع چالش و ابهاماتی است که این مدل در حوزه معرفت‌شناختی با آن مواجهه است (نورافشان و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۳ - ۱۰۱). گرچه پاسخ‌هایی از سوی فرهنگستان به اشکالات مطرح داده شده است، در نهایت، به اعتقاد گروهی این دیدگاه به نتایجی از جمله نسبیّت‌گرایی معرفت‌شناختی منتهی می‌شود که آن را غیر قابل پذیرش می‌کند (گرای و مصباح، ۱۳۹۵: ۱۱۸ - ۱۲۴).

مبانی دین‌شناسی فرهنگستان علوم اسلامی

محقق شدن آرمان‌های دینی در گرو تولید علم دینی و ایجاد تمدن نوین اسلامی است. این تمدن نوین خود نیز بر شمولیت و جامعیت دین و بر روابط فردی و اجتماعی در رویکرد فرهنگستان مبتنی است (خسروپناه، ۱۳۹۴ ج: ۱۸۷ - ۱۸۸). فرهنگستان علوم اسلامی دین را ابزار جریان ولایت یا نظام تناسبات حاکم بر تولی عبد تعریف می‌کند که عمدتاً به صورت نظام ارزشی، نظام تکالیف، و نظام توصیفات از طرف وحی نازل و توسط پیامبر اعظم (ص) ابلاغ شده است. از این روی این نظام تناسبات در قوس نزولی جریان ولایت است و در قوس صعودی ابزار تولی به ولایت الهی در قلمرو فرد و جامعه و تاریخ است (میرباقری، ۱۳۸۳: ۵۰). بنابراین فرهنگستان دین را به جریان سرپرستی و ربوبیت خداوند متعال نسبت به اراده‌های انسانی پذیرفته است و به دلیل وجود روایات متعدد به جریان ولایت و شریعت نیز تعبیر کرده است. چون در روایات بسیار آمده است که دین‌داری بدون پذیرش ولایت محقق نمی‌شود (میرباقری، ۱۳۸۳: ۲۵؛ میرباقری، ۱۳۹۶: کد ۸۲۹). در یک تلقی حداکثری دین ظرفیت سرپرستی تمام جوامع را در همه ادوار تاریخی دارد؛ از حیطة اندیشه و افکار ذهنی انسان گرفته تا نوع وابستگی‌ها و گرایش‌های نفسانی و هدایت شدن انسان در واقعیت و عینیت اجتماع. بنابراین نظریه فرهنگستان مبتنی بر تلقی حداکثری از دین است؛ یعنی مکتبی از جامعیت برخوردار است که بتواند میان سه حوزه «اعتقاد» و «تفکر» و «عمل اجتماعی» پیوند برقرار کند (میرباقری، ۱۳۹۸ الف). از طرفی معرفت دینی حاصل شناخت انسان از تأمل در منابع دینی است. زیرا برخی تفاسیر در نتیجه ارتباط انسان با ولایت شیطان است که در واقع ضلالت است و برخی دیگر در نتیجه ارتباط با ولایت الهی (جدی و بهروزلک، ۱۳۹۱: ۶۲۲). فرهنگستان علوم معتقد است معارف انسانی با هم ترابط دارند که این مسئله خارج از اراده فرد است و معارف دینی نیز می‌تواند متأثر از معارف

دیگر باشد؛ لیکن بستر این تأثیرگذاری باید بستری دینی باشد نه الحادی و چنین تأثیری از معارف بشری بر معارف دینی قابل قبول است (جدی و بهروز لک، ۱۳۹۱: ۶۲۳). البته باید گفت این تعریف خلاف نظر مشهور است که حقیقت دین را فعل تشریعی الهی، یعنی باید‌ها و نبایدهایی در زمینه اعتقادات و اخلاق و احکام، می‌داند و ولایت الهیه که در حقیقت دین لحاظ شده است را در واقع به عنوان منشأ و اساس دین به شمار می‌آورد (درس کلام استاد ربانی، ۱۳۹۵/۰۸/۲۲).

تبیین صحیح روش‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی

از منظر مدل فرهنگستان علوم اسلامی «روش» ساختار یا نظام تولید است. منطق و روش اطلاعاتی هستند که در بالاترین سطح ایجاد می‌شوند و هماهنگی تولید مفاهیم به وسیله روش و منطق است (حسینی‌الهاشمی، ۱۳۷۴: ۶). در این میان روش‌شناسی شناختن مبانی و منطق حاکم بر روش‌های تحقیق است؛ طوری که قدرت تصرف در این مبانی و منطق‌ها در جهت افزایش هماهنگی آن‌ها با حدود اولیه دستگاه فکری را به محقق بدهد (پیرزمنند و جهان‌بخش، ۱۳۹۷: ۱۸). تبیین و تحلیل روش‌شناسی از علوم انسانی به دو شکل است؛ تبیین روش‌شناسی با مطالعه پسینی (در حوزه روش‌شناسی‌های محقق و موجود فعلیت می‌یابد) و تبیین روش‌شناسی با مطالعه پیشینی (پیش از تحقق روش‌شناسی و بررسی مبانی و الزامات و فرایند تحصیل روش‌ها). در خصوص روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی به دلیل عدم تحقق و تعیین فعلی مطالعه محقق ناگزیر به نحو فلسفی و پیشینی است.

روش‌شناسی فرهنگستان در تولید نظریات مبتنی بر روش تحقیق تکاملی است. نقطه عزیمت تولید علم دینی در این روش به زعم فرهنگستان پایه‌گذاری یک نظام معرفتی (نظام عقلانیت جدید) با محوریت معارف وحیانی است. نظام معرفتی مجموعه‌ای از معارف استنباطی، علوم کاربردی، و برنامه‌های اجرایی است که به یک‌دیگر مرتبط و متقوم‌اند. این سه معرفت بعد یک‌دیگر هستند و نمی‌توان این ابعاد را از یک‌دیگر تفکیک کرد (رضوی، ۱۳۹۶: ۸۰۱).

روش عام حاکم بر روش تحقیق مضاف است. از طرفی دیگر در روش‌های خاص علوم انسانی نیز به تناسب موضوع باید از سه شرط اسلامیت، کارآمدی، و عقلانیت پیروی کنند. به عبارت دیگر مطابق با هر موضوع این سه شرط معنا و مفاهیم خاصی پیدا می‌کنند (خاکی قراملکی، ۱۳۹۷، کد ۷۵۰۹۰؛ فلسفه روش تحقیق است که مشخص می‌کند وحی، عقلانیت، کارآمدی چگونه در مقیاس منطق و روش هماهنگ شوند (مجمع عالی حکمت اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۸۳ - ۱۸۴). روش عام یک مجموعه نظام مفاهیم فلسفی مبتنی بر یک مبنای فلسفی ناظر به شدن و تصرف عینی است که قبل از تصرف در عینیت یک نمونه‌سازی فرضی از آن صورت می‌گیرد؛ یعنی مدلی که ساده‌شده از واقعیتی پیچیده است. از نظر فرهنگستان منابع نام‌برده‌شده در تولید علم از یک‌دیگر جدا نیستند و با آرایش خاصی از آن‌ها علم ایجاد می‌شود و چنین نیست که هر یک به نفع دیگری حذف شود؛ لیکن سهم تأثیر اصلی را برای منابع دینی قائل هستند. در حاق علم دینی گرایش‌های خاضعانه و ذاکرانه نسبت به الله وجود دارد. در تبیین روش تنظیم مدل نظریه علم دینی باید گفت مدل علمی در ادبیات فرهنگستان بر اساس سازکار وابسته به بیرون از واقعیت عینی است. بنابراین حرکت پدیده‌ها وابسته به غیر خود فرض می‌شود و مبحث تحول پدیده مطرح می‌شود (جهان‌بخش و شیخ‌العراقین‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۶۶ - ۱۶۷).

بیان سیر تحول پدیده توسط مدل‌های علمی صورت می‌گیرد؛ مدل وصفی؛ مدل موضوعی، مدل عینی. پس از ایجاد فهم مشترک از موضوع تحقیق و معنای پدیده مورد بررسی، در گام بعد، باید نسبت پدیده و کارکرد آن در جریان ولایت ائمه اطهار^(ع) مورد دقت قرار گیرد (مرعشی، بی‌تا: ۴۰). این دستگاه فکری هر پدیده‌ای را به صورت یک فاعل (به معنی ایجادکننده اثر و کیفیت) در نظام فاعلیت تحلیل می‌کند که دارای تأثیرگذاری فعالانه و تأثیرپذیری از دیگر فاعل‌ها است (پیرزمنند و همکاران، ۱۴۰۱، جزوه منتشرنشده).

هر پدیده تنها در صورتی قابل توصیف است که به صورت یک کل متغیر (کل فاعلی) ملاحظه شود. در این زمینه نیازمند زبانی هستیم که بتواند پدیده را به صورت فوق توصیف کند و در نتیجه بین وضع موجود و وضع مطلوب وحدت زبانی برقرار کند. برای این منظور در روش تحقیق تکاملی صورت جدیدی از مفاهیم دنبال می‌شود که توانایی حکایت‌گری از پدیده را داشته باشند که این جنس از مفاهیم را اوصاف تکاملی پدیده نامیده‌اند و به مدلی که بر اساس این مفاهیم برای توصیف حرکت پدیده ایجاد

می‌شود مدل وصفی گفته می‌شود. این مفاهیم باید به گونه‌ای ایجاد شوند که صرفاً با تغییر منزلت‌هایشان بتوانند از تفاوت‌های ایجادشده در پدیده حکایت کنند. مفاهیم وصفی در سه دسته اوصاف «توسعه، ساختار، و کارایی» پدیده به دست آیند. محقق در بستر اطلاعاتی که از سیر تحولات پدیده به دست آورده است، گمانه زنی می‌کند (و اوصافی را حدس می‌زند) و به تناسب‌سنجی میان گمانه‌ها و استنادات خود می‌پردازد و در صورت متناسب بودن گمانه‌ها و استنادات و طی شدن این فرایند می‌توان مدعی شد که اوصاف تکاملی را تولید کرده است (پیروزمند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱ - ۱۸).

گام بعدی ایجاد مدل موضوعی است. زمانی می‌توان از مدل وصفی در اصلاح و ارتقای کیفیات بروزیافته از پدیده استفاده کرد که ابزار برقراری ارتباط این مدل با عینیت ایجاد شود. مدل موضوعی با ایجاد ارتباط میان مدل وصفی و عینیت همچنین برای به کمال مطلوب رساندن و ارتقای پدیده به جایگاه متعالیش در جامعه زمینه گمانه‌زنی را فراهم می‌کند. در واقع مدل موضوعی از قرارگیری اجزای پدیده در منزلت‌های اوصاف تکاملی ایجاد می‌شود. مدل موضوعی طی مراحل ایجاد می‌شود (پیروزمند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸ - ۲۲). اکنون محقق دارای ابزاری است که علاوه بر قدرت سنجش وضعیت تعادل پدیده، به وسیله تعیین اجزای خاص، زمینه گمانه‌زنی برای محققین را فراهم کرده و محقق قدرت هدایت تولیدات علمی را به دست آورده است. محقق برای کیفیت‌بخشی به پدیده یک سری روابط متعینی را بین عناصر مدل موضوعی جست‌وجو می‌کند تا مشخص شود در زمان و مکان مشخص چه کیفیتی باید بروز پیدا کند که متناسب با تعریف وضعیت تعادل پدیده بر مبنای اسلام باشد (فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۹۸). در دستگاه فکری فرهنگستان هر جزء باید در منزلت و سهم تأثیر مطلوب و آرمانی خود کیفیت‌بخش پدیده باشد تا بتوان اظهار کرد کیفیت صادره از پدیده متناسب با آموزه‌های اسلام و خواست اسلام از نقش و منزلت مورد نظر از جزء مربوطه است. اگر مجموعه آن نقشی که اسلام می‌خواهد را متجلی نکند، باید در سهم تأثیر آن فعالیت‌ها و منزلت آن اجزا تجدید نظر کرد (فرهنگستان علوم اسلامی، بی‌تا). در گام بعد محقق نیازمند نظام شاخص است. ایجاد این سنخ شاخص‌ها در ساده‌ترین حالت خود می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های نظرسنجی نخبگانی صورت گیرد که زمینه ایجاد مدل عینی را فراهم می‌آورد. بنابراین محقق متوجه خواهد شد که پرداختن به کدام مسائل تحقیق و پاسخ به آن‌ها سبب می‌شود پدیده به سمت وضعیت آرمانی هدایت شود و کیفیت بهینه‌تری را از خود نمایش دهد. پاسخ به دست‌آمده به مسائل تحقیق در واقع پدیده را به صورت یک امر تعین‌یافته توصیف می‌کند که از آن به مدل عینی یاد می‌کنند. برای ساخت مدل عینی لازم است اجزا و عناصر بر اساس عناصر محوری طوری بازتعریف شوند که عدم توازن سیستم را برطرف کنند. برای این مهم سازمان تحقیق طی جلسات علمی به گمانه‌پردازی پرداخته تا روابط جدید را به دست آورد (پیروزمند و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳).

بنابراین به طور خلاصه باید گفت در روش عام ابتدا اعتقادات در جریان ولایت ائمه اطهار^(ع) با استنباط کردن تفصیل داده می‌شوند. خروجی این احکام و گزاره‌های تفصیل‌داده‌شده به عنوان پیش‌فرض برای علوم انسانی کاربردی قرار می‌گیرد؛ یعنی وضعیتی که کلیه تصرف‌ها برای وصول به آن تنظیم می‌شود و معنا می‌گیرد. سپس به وسیله روش تحقیقات کاربردی معادلات کاربردی علوم انسانی تولید می‌شود؛ یعنی گمانه‌ها از سه منظر کارآمدی، هماهنگی با دستگاه منطقی، و حجیت اعتبارسنجی می‌شوند و با کمک معارف دینی موضوعات مشاهده‌پذیر مطلوب تعیین می‌شوند. سپس با کمک اطلاعات تجربی و گمانه‌زنی‌های جدید موضوعات مشاهده‌پذیر متکامل می‌شوند. از طرفی با کمک دستگاه منطقی نیز نسبت میان موضوعات با منزلت‌های مدل وصفی و نیز جایگاه و سهم تأثیر هر موضوع در مدل موضوعی معین می‌شود. در نهایت به اقتضای احکام دینی و احکام کاربردی احکام اجرایی صادر می‌شود و با عینیت تطبیق داده می‌شود؛ یعنی معادله تولیدشده در مصداق خاص به گونه‌ای جریان پیدا می‌کند که با احراز تلائم نظری و کارآمدی عینی و حجیت همراه است.

نظام‌مندی و انسجام مراحل و عناصر دخیل در تولید علم

نظام‌مندی و انسجام بدین معناست که محقق ساختاری سازمان‌یافته و هدفمند میان تفکر منطقی و مشاهده تجربی از پدیده یا واقعیت ارائه دهد. در این حالت است که حقایق یا اطلاعات با معنا برای تحلیل و تبیین پدیده یا رویداد مد نظر پژوهشگر ایجاد می‌شود (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۲: ۵۹۹). بدین وسیله نوعی پارادایم فکری حاکم بر تحقیق معرفی می‌شود. زمانی که محقق در تحقیقات از سطح نظری به سطح تجربی وارد می‌شود در حقیقت اصول نظری را به سمت واقعیت حمل می‌کند تا به نوعی

روند تولید و تکون معرفت را از اصول و مبانی فلسفی تا ورود به واقعیت تجربی در یک قالب و چارچوب منسجم مدیریت کند (عبدلی مسینان، ۱۳۹۹ب: ۵۲۴). فرهنگستان تلاش می کند علاوه بر انسجام و هماهنگی عناصر خود (با حرکت از مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، و علم‌شناختی تا کاربری این مبانی در روش‌ها) سیر مشخص و منضبطی از تکوین و تکون معرفت ارائه کند و ارتباط سازمان‌یافته‌ای بین سطح نظری ایده یا نظریه و حقایق اجتماعی به وجود بیاورد و یک نگاه منسجم و منضبط ارائه کند که علاوه بر توجه به شاخصه نظام‌مندی علم بر نظام روش شناختی تکوین علم (روش تحقیق تکاملی) نیز توجه کند و نسبت به سایر مدل‌های علم دینی گام‌های هماهنگ بیشتری تا پیشبرد ادبیات علم دینی ارائه کند. اما در این حیطه نیز با ابهامات و محدودیت‌هایی روبه‌رو است. فرهنگستان علوم اسلامی موضوع هستی‌شناسی‌ای که از آن بحث می‌کنند نظام آفرینش (کل متغیر) است (میرباقری، ۱۳۹۸الف). نظام آفرینش نه با مفهوم وجود تفسیر می‌شود نه با ماهیات (خسروپناه، ۱۳۹۴الف: ۱۸۴). اما در حوزه شناخت خدا معتقدند مطلب چیز دیگری است و باید با همان روشی که تعلیم دیده‌ایم- یعنی بین التشبیه و التعطیل- حرکت کنیم و فهممان را دائم گسترش دهیم. از سوی دیگر در مدل فرهنگستان علوم اسلامی آیت‌الله میرباقری در خداشناسی (اعتقاد به وجود خدا و صفات او) و انسان‌شناسی (اعتقاد به تمایلات و تأثیر آن در باورهای آدمی) با زبانی واقع‌گرایانه سخن می‌گوید؛ در صورتی که وی اراده‌گرایی را به مثابه مبنایی برای علم دینی در نظریه فرهنگستان علوم اسلامی مطرح کرده است که با رویکرد واقع‌گرایانه و نوع نگاه معرفت‌شناختی ایشان هماهنگ نیست (موحد ابطحی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). مواردی از این دست می‌تواند انسجام درونی در نظریه‌پردازی این مدل را با چالش‌هایی مواجه سازد.

تحلیل و ارزیابی مهم‌ترین مؤلفه‌های فرعی روش شناختی در مدل فرهنگستان علوم اسلامی

چنان که گذشت از مؤلفه‌های فرعی که مستخرج از مؤلفه‌های اصلی است می‌توان به تبیین صحیح نظریه‌پردازی و چگونگی مراحل آن، ارائه نظریات و مدل‌ها بر اساس نیازمندی‌ها، تبیین جایگاه تجربه در تولید علم دینی، به‌کارگیری روش‌های تلفیقی در مطالعات علوم انسانی، ترکیب عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در تولید علم، تنوع منابع معرفتی و تکثر روش شناختی، ورود به عرصه نظریه‌پردازی و پر کردن شکاف نظریه و اقدام، و... اشاره کرد. در این ارزیابی به بررسی دیدگاه فرهنگستان بر اساس برخی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

فلسفه مضاف و تأمین مبانی فلسفی روش‌شناسی اسلامی

فرهنگستانی‌ها معتقدند برای رسیدن به تمدن اسلامی علوم اسلامی باید بتوانند در پدیده‌ها تصرف کنند. قدرت تصرف یعنی ارائه نظریه‌ای در قالب معادله و مدلی که توانایی پیش‌بینی و کنترل محیط پیرامونی را برای رسیدن به تمدن فراهم آورد (جمالی، ۱۳۹۷: ۱۱۴۸). از این رو باید عقلانیتی که غیر از فلسفه هستی‌شناسی است تأسیس شود. بنابراین، فرهنگستان پایه‌گذار فلسفه تأسیسی شدن و چگونگی است که موضوعاً و تخصصاً با فلسفه صدرایی متفاوت است و باید هماهنگ‌سازی سه روش استنباط، روش علوم یا معادلات، روش اداره و کنترل عینی را انجام بدهد (حسینی‌الهاشمی، ۱۳۷۹: ۴۶۰).

توجه به جایگاه تجربه در کنار روش اجتهادی

برای تولید علوم انسانی اسلامی با روش استنباط به احکامی (فردی- اجتماعی- حکومتی و حتی نظامات) از دین می‌توان دست یافت که از یک مسیر قاعده‌مند به حجیت (مبتنی بر سه شاخصه اصلی تعبد، قاعده‌مندی، تفاهم) رسیده‌اند. احکام خروجی اصول موضوعه و پیش‌فرض برای علوم کاربردی انسانی هستند. از آنجا که علوم انسانی طی فرایند طولانی از تحقیقات کاربردی حاصل می‌شود و این تحقیقات کاربردی بر پایه گردآوری است، هر چه نتیجه استنباط دینی است امکان گردآوری را به صورت قاعده‌مند برای فهم تجربی فراهم می‌کند. خروجی گردآوری پیش‌فرض‌هایی است که در فرایند تحقیق تجربی به تولید فرضیه یا نظریه‌پردازی منجر می‌شود (در این حالت علوم انسانی در زمره علوم تجربی قرار می‌گیرد). در مرحله پایانی باید به ارزیابی نظریه‌ها پرداخت. به عبارتی باید فرایند تولید «مسئله، نظریه، آزمون» تحقق پیدا کند تا به معادلات تجربی در علوم انسانی رسید. یعنی بعد از حصول احکام التزامی در حوزه فهم دینی و حصول احکام در حوزه فهم تجربی باید احکام اجرایی به منظور اداره و

تغییر و بهینه سازی شرایط جامعه تصویب شود؛ احکامی که از جنس معادلات و احکام شرعی نیستند و برنامه‌های تغییر وضعیت هستند (رضوی، ۱۳۸۹: کد ۸۰۱). از این جهت فرهنگستان در بالاترین سطح معتقد به استفاده از روش تجربی در کنار استفاده از روش اجتهاد در تولید علم دینی است.

آزمون کاربردی

در مدل فرهنگستان به نمونه عملی از کاربرد روش تحقیق تکاملی در قالب طرح پژوهشی تعیین الگوی طبقه‌بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور (پیروزمند و جمالی، ۱۳۸۵: ۴۴ - ۴۵) و همچنین در طرح پژوهشی (پروژه خیر و احسان و نیز پروژه محرومیت‌زایی) پرداخته شده است. در این مقاله‌ها طرح‌ها نوآورانه نقطه کانونی بحث در مراحل «فلسفه و روش» و «روش علوم» قرار دارد و کاربرد عملی روش تحقیق پیشنهادی و مزایا و دستاوردهای آن به صورت عینی و ملموس نمایش داده شده است.

تبیین صحیح نظریه‌پردازی و چگونگی مراحل آن

در مبحث علم دینی برای پیشرفت از سنخ کاربردی کردن ایده‌ها باید از مباحث انتزاعی و نظری خارج شد و در عرصه نظریه‌سازی دینی و روش‌شناسی ساخت نظریه در حوزه مطالعات دینی گام برداشت. اینکه نظریه‌سازی چگونه باید صورت بگیرد مسیر ثابت و مشخصی ندارد و فقط می‌توان مراحل مهم این روند را تبیین کرد که نخستین آن مفهوم‌سازی کردن است (وریج، ۱۳۷۲: ۲۴۶). و در نهایت سنجش و آزمودن نظریه تا اینکه میزان صحت نظریه بررسی شود. در ضمن آزمودن، فرضیاتی که نظریه از آن استخراج شده است پالایش و نظریه اصلاح و در نتیجه کامل می‌شود. فرهنگستان علوم اسلامی نیز با ابداع فلسفه شدن قلمرو فکری خاصی را مشخص کرده است و به مباحث روش‌شناختی و اقتضائات تولید و تکنون معرفت در حوزه علوم انسانی اسلامی اهتمام دارند. ایشان با مفهوم‌سازی که اولین گام نظریه‌پردازی است به ساده‌سازی واقعیات و بسترسازی می‌پردازند. در ابتدا وضعیت مطلوب و آرمانی پدیده را بیان می‌کنند. در نظریه علم دینی فرهنگستان این وضعیت مطلوب از آموزه‌های اسلام به مثابه یک کل اخذ می‌شود. سپس به تولید وصف تکاملی پرداخته می‌شود. به دست آوردن اوصاف تکاملی نیازمند اطلاعات و مفاهیم دینی حاکم بر تحقیق و اطلاعات تجربی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تاریخی است. چون بستر گمانه‌زنی محقق را برای تولید اوصاف فراهم می‌سازد. با اعتبارسنجی تجربی و دینی و نظری گمانه‌ها و تأیید یا اصلاح آن‌ها مدل وصفی پدیده به دست می‌آید. این اوصاف نظام‌مند و وظیفه توصیف پدیده به عنوان یک کل متغیر را بر عهده دارند. پس نظریه ایشان قدرت پیش‌بینی‌کنندگی واقعیات را نیز دارد. مدل موضوعی و عینی گام بعدی فرهنگستان در سیر نظریه‌پردازی بر اساس روش تحقیق تکاملی است. مدل موضوعی با ایجاد ارتباط میان مدل وصفی و عینی و همچنین برای به کمال مطلوب رساندن و ارتقای پدیده به جایگاه مطلوبش در جامعه زمینه گمانه‌زنی را فراهم می‌کند.

تنوع منابع معرفتی و تکرار روش‌شناختی

نگاه جهت‌داری علم (به معنای پذیرفتن حق و باطل) در این دیدگاه باعث می‌شود نتوان به صرف تجربه قواعد و نظریات علمی مورد نیاز را به وجود آورد. برای تولید علم دینی علاوه بر تجربه نیاز به عقل جهت هماهنگی قواعد و همچنین نیاز به وحی جهت تضمین جهت‌گیری اسلامی وقوع علم است. این منابع باید به صورت توأمان متقوم و به محوریت وحی استفاده شوند. به جهت ضرورت به‌کارگیری هر سه منبع در تولید نظریات، هر نظریه علمی باید سه معیار قاعده‌مندی، حجت، و کارآمدی را داشته باشد تا صحت آن به معنای قدرت اسلامی‌تر کردن آثار پدیده تضمین شود (میرباقری، ۱۳۹۸: ب: ۱۲۸). استفاده توأمان از عقل و وحی و تجربه طبیعتاً منجر به تکرار روشی در این رویکرد و استفاده از روش‌های اجتهادی و انواع روش‌های تجربی (تفسیری، انتقادی، و...) در تولید علم دینی می‌شود.

به کارگیری روش‌های تلفیقی در مطالعات علوم انسانی

روش پژوهش چگونگی انجام دادن تحقیق است و بیشتر ساختار و استخوان‌بندی هر دریافت انسانی را رقم می‌زند. منبع دریافت‌های انسانی قلب، عقل، حس، و وحی است (زاهد زاهدانی، ۱۴۰۱: ۳۴). مطابق با انسان‌شناسی مدل فرهنگستان علوم اسلامی، مراتب وجودی انسان به سه ساحت روح و ذهن و جسم در یک نظام طولی تقسیم می‌شود (خاکی قراملکی، ۱۳۹۱: ۴۹۳ - ۴۹۴). مطابق با این ساختار معرفتی انسان وحی و شهود در مقابل عقل و حس نتایج روش‌شناختی ویژه‌ای خواهند داشت. روش عقل و حس مفهومی است. ولی روش شهود و وحی حضوری است. البته هر یک منطق جداگانه خود را می‌طلبند (بستان، ۱۳۹۰: ۸). علم دینی باید از همه ابزارها و منابع معرفت به نحو متعادل بهره‌مند شود. با به کارگیری یک روش نمی‌توان جوابگوی همه نیازها در حوزه تبیین و توصیف و پیش‌بینی کنش‌های انسانی بود. با تلفیق اطلاعات فهم عمیق‌تری از مسائل به دست می‌آید. از این رو روش‌های تلفیقی درک جامع‌تر، مناسب‌تر، و ژرف‌تری از موضوع مورد بحث به دست می‌دهد. به روش‌های تلفیقی «چندگانه» روش‌های «ادغامی» و «همگرا» نیز می‌گویند (ایمان، ۱۳۹۱: ۲۵۴). بر این اساس روش به کاررفته در مدل فرهنگستان روش تکاملی جامع منطق‌های سیستمی و انتزاعی است و آن‌ها را در بر می‌گیرد و از ویژگی‌های آن‌ها بهره‌مند می‌شود. در مدل فرهنگستان علوم اسلامی برای اسلامی‌سازی علوم از روش عام، که خود این روش قیاسی و مستدل است، برای هماهنگ‌سازی روش‌های سه‌گانه ۱. روش استنباط و تفقه جامع دینی، ۲. روش دستیابی به معادلات کاربردی، ۳. روش تولید مدل‌های اجرایی اسلامی استفاده می‌شود. در روش‌های سه‌گانه تولید هر گزاره معرفتی نیازمند حوزه‌های معرفتی و نیز نیازمند استنباط از وحی و فعالیت‌های قیاسی-عقلانی و فعالیت‌های استقرایی و مشاهده پدیده هستند (جهان‌بخش و شیخ‌العراقین‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۲ - ۱۷۳). اگرچه فرهنگستان درباره روش علم دینی معتقد به اصالت نقل هستند و معتقدند علم آن گاه دینی است که دارای حجیت باشد؛ مراد آن‌ها از حجیت صرفاً حجیت شرعی نقلی است و علمی حجت و دینی خواهد بود که گزاره‌های آن علم ارتباط منطقی با نقل داشته باشد.

عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در تولید علم

در مسیر تکون علم دینی به دلیل اصالت فاعل شناسا و نقش ارزش‌ها در تکون علم و از طرفی تحصیل عینیت‌گرایی و پرهیز از نسبی‌گرایی محقق باید بتواند میان عینیت و ذهنیت جمع کند و بین آن دو سازگاری برقرار سازد. مدل فرهنگستان علوم اسلامی به رئالیسم خام معتقد نیست و علم را صرفاً کشف از واقع نمی‌داند (موحدابطحی، ۱۳۹۴: ۱۳۰) و به جای کاشفیت تناسب فهم با واقع مطرح می‌شود. فیلسوف باید فهم خارج را تفسیر کند. فیلسوف در تفسیر هستی نه بر پایه وجود و نه بر پایه ماهیت عالم را تفسیر می‌کند؛ بلکه نظام آفرینش را بر پایه ولایت و تولی تفسیر می‌کند و چون ذهن و عین دوئیت دارند و دوئیت مانع تطابق است تناسب در فهم قابل قبول است و به هر میزانی که اختیار فرد دخیل می‌شود مسئله پرستش و تولی به ولایت و حق و باطل حضور پیدا می‌کند. از آنجا که این اختیارات تحت یک الوهیت و ربوبیت عمل می‌کنند و بدین طریق از نسبیت مطلق که هیچ معیاری برای داوری ندارد عبور می‌کنند، اگر نسبیت مطلق شود، هیچ وقت نمی‌توان انسجام ایجاد کرد. اما اگر پایگاهی برای ایجاد هماهنگی در نظر گرفته شد، بر اساس آن پایگاه می‌توان ادراکات اجتماعی را هماهنگ کرد (جهان‌بخش و شیخ‌العراقین‌زاده، ۱۳۹۸: ۵۰ - ۵۲). بنابراین فرهنگستان به نسبیت‌گرایی توحیدی معتقد است. به عبارتی خداوند مطلق است و همه ذیل او دارای اختیار نسبی هستیم (دفتر جنبش نرم‌افزاری و توسعه علوم اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۳ - ۱۴). این مطلب تبیین‌کننده تفاوت ایمان‌گرایی با حضور ایمان در تفاهم است (مجمع عالی حکمت اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۹۱ - ۱۹۲).

نتیجه

دیدگاه فرهنگستان با اشتغال بر مهم‌ترین مؤلفه‌های عام و اصلی مدل شناختی از جمله تبیین مبانی و بنیادهای نظری اسلام در علم دینی، تبیین صحیح عناصر و مؤلفه‌های روش‌شناسی اسلامی، تحقق انسجام و نظام‌مندی، و تبیین سلسله مراتب معرفتی در کنار مؤلفه‌های عام به‌خوبی به ضرورت طراحی یک مدل با مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مدل شناختی واقف بوده و سعی کرده با شناخت مهم‌ترین چالش‌ها و محل‌های نزاع در علم دینی در مدل خود پاسخ‌دهنده و شایسته‌ای به آن‌ها بدهد. از سوی دیگر به

اهمیت و ضرورت ابتدای تولید علم دینی بر پایه روش‌شناسی اسلامی واقف است و سعی کرده با طراحی مدلی روش شناختی از سطح نظری و فلسفی علم دینی خارج شود و در مسیر تحقق عملیاتی آن گام بردارد. با وجود این، به‌رغم برخورداری از جوهی از محاسن و امتیازات دارای ابهامات و محدودیت‌هایی به‌ویژه در حوزه مبانی معرفت‌شناختی و نیز هماهنگی و نظام‌مندی سطوح معرفتی در فرایند تولید علم است. از این رو نیازمند بازنگری در برخی از اصول مبنایی خود است و تا رسیدن به مدلی کارآمد که از همه شروط لازم و کافی در مسیر تکون معرفت برخوردار باشد نیازمند تکمیل و ارتقا به لحاظ فرایند استخراج و تحقق عملیاتی است.



منابع

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۲). *روش شناسی علوم انسانی نزد دانشمندان مسلمان*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰). *هویت علم دینی: نگاهی معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی*. چ ۳. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بستان، حسین (۱۳۹۰). *گامی به سوی علم دینی (۲): روش بهره گیری از متون دینی در علوم اجتماعی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیات، حمید (۱۳۹۰). *نقد و بررسی نظریه علم دینی در فرهنگستان علوم اسلامی*. پایان نامه کارشناسی/ارشد. دانشگاه معارف اسلامی.
- بیلکی، نورمن (۱۳۹۱). *پارادایم های تحقیق در علوم انسانی*. مترجم: حمیدرضا حسنی، مسعود ماجدی، و محمدتقی ایمان. قم: حوزه و دانشگاه.
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه (۱۳۸۴). *بررسی ابعاد عمومی روش شناسی تحقیق*. کتاب روش، پیش شماره ۴.
- پیروزمند، علی رضا و جمالی، مصطفی (۱۳۸۵). *الگوی طبقه بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور*. ماهنامه مهندسی-فرهنگی، ش ۶ و ۷، ۴۴ - ۴۵.
- پیروزمند، علی رضا و جهان بخش، عباس (۱۳۹۷). *کتاب نظریه (۳): مبانی و روش تحقیق تکاملی در علوم انسانی-اسلامی*. تهران: آفتاب توسعه.
- پیروزمند، علی رضا؛ جهان بخش، عباس و شیخ العراقرین زاده، حسن (۱۴۰۲). *چگونگی پیوند معارف وحیانی، عقلانی، و تجربی در نظریه پردازی بر اساس روش تحقیق تکاملی*. اسلام و علوم اجتماعی، س ۱۵، ش ۳۰، ۵ - ۲۸.
- جدی، حسین و بهروز لک، غلام رضا (۱۳۹۱). *مباحثات فرامتنی اسلامی سازی علوم انسانی (بررسی مقایسه ای رویکرد حداکثری فرهنگستان علوم اسلامی و مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی)*. مطالعات فرهنگی در دانشگاه اسلامی، ش ۴، ۶۱۵ - ۶۳۸.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۷). *ضرورت و چیستی فلسفه شدن تمدن نوین اسلامی*. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، د ۱، ش ۱، ۹۰ - ۱۱۴.
- _____ (۱۳۹۳). *مهندسی تمدن اسلامی از منظر سید منیرالدین حسینی*. نقد و نظر، س ۱۹، ش ۲، ۱۷۴ - ۱۹۷.
- جهان بخش، عباس و شیخ العراقرین زاده، حسن (۱۳۹۶). *بازتعریف سازمان تولید علم در ایران بر اساس نظریه علم دینی فرهنگستان علوم اسلامی*. مجموعه مقالات همایش ملی چیستی و چگونگی تحول در علوم انسانی اسلامی، ۱۵۴ - ۱۸۱.
- _____ (۱۳۹۸). *رابطه علم و فرهنگ زیرساخت نظری تمدن اسلامی*. مطالعات بنیادین تمدن اسلامی، د ۲، ش ۱، ۳ - ۳۷، ۶۴.
- حسینی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۷). *علم دینی؛ دیدگاه ها و ملاحظات*. چ ۷. قم: انتشارات پژوهشگاه.
- حسینی الهاشمی، منیرالدین (۱۳۷۴). *زمینه آشنایی با تعریف بانک توسعه اطلاعات*. جلسه یازدهم. پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان علوم اسلامی.
- _____ (۱۳۷۹). *معرفی دفتر از زبان استاد در مشهد مقدس*. پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان علوم اسلامی. کد ۴۶۰.
- خاکی قراملکی، محمدرضا (۱۳۹۱). *تحلیل هویت علم دینی و علم مدرن*. چ ۳. قم: کتاب فردا.
- _____ (۱۳۹۷). *مباحث روش شناسی و جایگاه آن در تحول علوم انسانی*. طلعه.

- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴ الف). در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی. قم: دفتر نشر معارف. ج ۱.
- خسروپناه، عبدالحسین و عاشوری، مهدی (۱۳۹۴ ب). روش‌شناسی علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت فلسفه ایران.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴ ج). جریان‌شناسی فکری ایران معاصر. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و نشر معارف: مؤسسه حکمت نوین اسلامی.
- دفتر جنبش نرم‌افزاری و توسعه علوم اسلامی (۱۳۸۷). جهت‌داری علوم از منظر معرفت‌شناختی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۵/۰۸/۲۲). درس کلام استاد ربانی. مدرسه فقاہت.
- _____ (۱۳۹۷). درآمدی بر علم کلام. چ ۲. قم: دار الفکر.
- رضایی عبدالعلی (۱۳۹۵). تحقق تمدن اسلامی و علم دینی؛ پیشران مطلوب در استحکام درونی نظام. پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم اسلامی. کد ۶۵۲.
- رضوی، سید مهدی (۱۳۹۶). روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم اسلامی. کد ۸۰۱.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۴۰۱). روش‌شناسی علوم انسانی با رویکرد اجتماعی (معرفی یک الگوی مطالعه). فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۲۶، ۳۲ - ۴۶.
- سبحانی، محمدتقی و حسین، سعدآبادی (۱۳۹۲). بررسی جهت‌داری علوم تجربی از منظر برخی اندیشمندان معاصر؛ آیت‌الله جوادی آملی، دکتر سروش، و حجت الاسلام و المسلمین میرباقری. روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۷۷، ۹۳ - ۱۰۴.
- عبدلی مسینان، مرضیه (۱۳۹۹ الف). مدل‌های روش‌شناختی تولید علوم انسانی در پرتو حکمت و اجتهاد. قم: دفتر نشر معارف.
- _____ (۱۳۹۹ ب). ماهیت مدل و مؤلفه‌های مدل شناختی در تولید علوم انسانی اسلامی. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، س ۲۴، ش ۳ (پیاپی ۸۴)، ۵۱۷ - ۵۴۲.
- فرهنگستان علوم اسلامی (۱۳۹۷). جزوه داخلی کاربرد الگوی وصفی تکاملی در نظریه‌پردازی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
- _____ (۱۳۹۸). جزوه داخلی گزارش پروژه خیر و احسان بر مبنای روش تحقیق تکاملی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
- _____ (بی‌تا). جزوه داخلی پیشنهاد آرمانی (مدل موضوعی) نظام جامع خیر و احسان. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
- گرایبی، عباس و مصباح، علی (۱۳۹۵). نقد و بررسی دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی در علم دینی. حکمت/سرا، س ۱۲، ش ۱ پیاپی ۳۵، ۹۳ - ۱۲۷.
- مجمع عالی حکمت اسلامی (۱۳۹۳). علم دینی: دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها. قم: نشر حکمت اسلامی (وابسته به مجمع عالی حکمت اسلامی).
- مرعشی، جعفر (بی‌تا). نظام فکری فلسفه نظام ولایت. بی‌جا. بی‌نا.
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۸). کلیاتی پیرامون فلسفه روش (اندیشه علامه فقید سید منیرالدین الهاشمی). چ ۲. قم: دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.
- موحدابطحی، سید محمدتقی (۱۳۸۹). اراده‌گرایی به مثابه مبنایی برای علم دینی در نظریه فرهنگستان علوم اسلامی. معرفت کلامی، ش ۱، س ۴، ۱۷۹ - ۲۰۸.
- _____ (۱۳۹۴). نسبت نظریه فرهنگستان علوم اسلامی درباره علم دینی با واقع‌گرایی معرفت‌شناختی. راهبرد فرهنگ، ش ۳۲، ۱۲۵ - ۱۴۶.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۳). گفت‌وگوی علمی پیرامون مفهوم علم دینی. قم: تمدن نوین اسلامی.
- _____ (۱۳۹۱). گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی. چ ۳. قم: فجر ولایت.
- _____ (۱۳۹۲). ارکان فلسفه تاریخ شیعی و جایگاه ظهور در آن. ویراستار: حسن نوروزی. چ ۴. قم: تمدن نوین اسلامی.

- _____ (۱۳۹۶). نگاه اجمالی به دین‌شناسی و معرفت‌شناسی فرهنگستان علوم. پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم اسلامی. کد ۸۲۹.
- _____ (۱۳۹۸ الف). نرم‌افزار علم دینی (۴۰ ساعت صوت و ۴۰۰ صفحه متن به ضمیمه ۸ ساعت فیلم و ۱۵ کلیپ در موضوع علم دینی از نگاه سید محمد مهدی میرباقری). تمدن اسلامی.
- _____ (۱۳۹۸ ب). حکمت حکومت. قم: تمدن نوین اسلامی. ج ۲.
- نورافشان، سید روح‌الله؛ نمازی، محمود و جعفری، محمد (۱۴۰۲). جهت‌داری معرفت‌شناختی و مبانی آن؛ نقد دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی. ذهن، د ۲۴، ش ۹۴.
- وریج، مانهایم (۱۳۷۲). نظریه‌پردازی: مفاهیم و فرضیات در علوم سیاسی. مترجم: الهه کولایی. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۰، ۲۲۹ - ۲۴۸.
- Abdoli Mesinan, M. (2020a). *Epistemological models of producing human sciences in light of wisdom and ijthihad*. Qom: Ma'aref Publishing Office. (in Persian)
- _____ (2020b). The nature of models and the components of cognitive models in the production of Islamic human sciences. *Quarterly Journal of Epistemological Studies at Islamic University*, 24(3), 517-542. (in Persian)
- Academy of Islamic Sciences (2018). *Internal memo on the application of evolutionary descriptive model in theorizing*. Qom: Academy of Islamic Sciences. (in Persian)
- _____ (2019). *Internal memo on the report of the charity and goodness project based on evolutionary research method*. Qom: Academy of Islamic Sciences. (in Persian)
- _____ (n.d.). *Internal memo on the ideal proposal (topic model) of the comprehensive system of goodness and charity*. Qom: Academy of Islamic Sciences. (in Persian)
- Bagheri, K. (2011). *The identity of religious science: An epistemological perspective on the relationship between religion and human sciences*. 3rd ed. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
- Bilki, N. (2012). *Research paradigms in human sciences*. H. R. Hasani, M. Majedi, & M. Taqi Iman, Trans. Qom: Hawza and University. (in Persian)
- Biyat, H. (2011). *Master's thesis: Critique and examination of the religious science theory at the Academy of Islamic Sciences*. University of Islamic Knowledge. (in Persian)
- Bostan, H. (2011). *A step towards religious science (2): The method of using religious texts in social sciences*. Qom: Research Institute of the Hawza and University. (in Persian)
- Gharayi, A. & Mesbah, A. (2016). Critique and review of the Academy of Islamic Sciences' perspective on religious science. *Biannual Journal of Hikmat Asra*, 12(1), 93-127. (in Persian)
- Hasani, H. R. et al. (2018). *Religious science: Perspectives and considerations*. 7th ed. Qom: Publication of the Research Institute. (in Persian)
- Hawzah Information Base (2005). *Review of general dimensions of research methodology, book on method*. Preprint No. 4. (in Persian)
- Hosseini-Alhashimi, M.D. (1995). *Introduction to the definition of the information development bank, session eleven*. Information Base of the Academy of Islamic Sciences. (in Persian)
- _____ (2000). Office introduction from the perspective of the teacher in Mashhad. *Information Base of the Academy of Islamic Sciences*. Code 460. (in Persian)
- Iman, M. T. (2012). *Philosophy of research methodology in human sciences*. Qom: Research Institute of the Hawza and University. (in Persian)
- Iman, M. T. & Kalateh Sadati, A. (2013). *Methodology of human sciences according to Muslim scholars*. Qom: Research Institute of the Hawza and University. (in Persian)
- Jadi, H. & Behroozlak, G. R. (2012). Islamicization of human sciences in transcendental discussions: A comparative review of the maximum approach of the Academy of Islamic Sciences and the Educational Research Institute of Imam Khomeini. *Cultural Studies Journal at Islamic University*, 4, 615-638. (in Persian)
- Jahanbakhsh, A. & Sheikh al-Iraqin Zadeh, H. (2017). Redefining the organization of knowledge production in Iran based on the religious science theory of the Academy of Islamic Sciences. *Proceedings of the National Conference on the Nature and Transformation of Islamic Human Sciences*, 154-181. (in Persian)
- _____ (2019). The relationship between science and culture: The theoretical infrastructure of Islamic civilization. *Biannual Journal of Fundamental Studies of Islamic Civilization*, 2(1), 37-64. (in Persian)
- Jamali, M. (2014). The engineering of Islamic civilization from the perspective of Sayyid Munir al-Din Husaini.

- Biannual Journal of Critique and Viewpoint, 19(2), 174-197. (in Persian)
- (2018). The necessity and nature of philosophy in the new Islamic civilization. *Quarterly Journal of Fundamental Studies of New Islamic Civilization*, 1(1), 90-114. (in Persian)
- Khaki Qaramehki, M. R. (2012). *Analysis of the identity of religious science and modern science*. 3rd ed. Qom: Book Farda. (in Persian)
- (2018). *Methodological discussions and its place in the transformation of human sciences*. Talieh. (in Persian)
- Khosropanah, A. H. (2015a). *In search of Islamic human sciences*. Qom: Ma'aref Publishing Office. Vol. 1. (in Persian)
- (2015c). *Intellectual trends in contemporary Iran*. Qom: Representative Office of the Supreme Leader for Ma'aref Publishing; Institute of New Islamic Wisdom. (in Persian)
- Khosropanah, A. H. & Ashouri, M. (2015b). *Methodology of social sciences*. Tehran: Institute for Research in Wisdom and Philosophy of Iran. (in Persian)
- Mahdizadeh, H. (2009). *Generalities regarding the philosophy of method (Thought of the Late Ayatollah Sayyid Munir al-Din Alhashimi)*. 2nd ed. Qom: Academy of Islamic Sciences. (in Persian)
- Marashi, J. (n.d.). *Philosophical thought system of the guardianship system*. n.p. (in Persian)
- Mirbagheri, S. M. H. (2004). *Scientific dialogue on the concept of religious science*. Qom: New Islamic Civilization. (in Persian)
- (2012). *Discourses on transformation in human sciences*. 3rd ed. Qom: Fajr Velayat. (in Persian)
- (2013). *The foundations of Shia philosophy of history and the place of the occurrence within it*. H. Noroozi, Ed. 4th ed. Qom: New Islamic Civilization. (in Persian)
- (2017). An overview of religious studies and epistemology of the Academy of Sciences. *Information Base of the Academy of Islamic Sciences*. Code 829. (in Persian)
- (2019a). Software on religious science (40 hours of audio and 400 pages of text, along with 8 hours of video and 15 clips on religious science from the perspective of Seyyed Mohammad Mahdi Mirbagheri). *New Islamic Civilization*. (in Persian)
- (2019b). *Wisdom of government*. Qom: New Islamic Civilization. Vol. 2. (in Persian)
- Movahed Abtahi, S. M. T. (2010). Voluntarism as a basis for religious science in the theory of the Academy of Islamic Sciences. *Knowledge and Theology*, 1(4), 179-208. (in Persian)
- (2015). The relation of the Academy of Islamic Sciences' theory on religious science to epistemic realism. *Quarterly Journal of Cultural Strategies*, 32, 125-146. (in Persian)
- Noorafshan, S. R., Namazi, M., & Jafari, M. (2024). Epistemological orientation and its foundations: Critique of the Academy of Islamic Sciences' perspective. *Scientific Journal of Mind*, 24(94). (in Persian)
- Office of the Software Movement and Development of Islamic Sciences. (2008). *Orientation of sciences from an epistemological perspective*. Qom: Research Institute of Culture and Islamic Sciences. (in Persian)
- Peyroozmand, A. & Jahanbakhsh, A. (2018). *Theory Book 3: Foundations and methods of evolutionary research in Islamic human sciences*. Tehran: Aftab-e Tose'e. (in Persian)
- Peyroozmand, A., Jahanbakhsh, A., & Sheikh al-Iraqin Zadeh, H. (2023). How to connect revelation, rational, and empirical knowledge in theorizing based on evolutionary research method. *Scientific-Research Quarterly on Islam and Social Sciences*, 15(30), 5-28. (in Persian)
- Peyroozmand, A. & Jamali, M. (2006). A classification model for cultural topics in cultural engineering of the country. *Cultural Engineering Monthly*, 6 & 7, 44-45. (in Persian)
- Rabbani Golpayegani, A. (2016). *The theology class of Master Rabbani*. Fiqh School. (in Persian)
- (2018). *An introduction to Islamic theology*. 2nd ed. Qom: Dar al-Fikr Publishing. (in Persian)
- Razavi, S. M. (2017). *Methodology of Islamic human sciences*. Information Base of the Academy of Islamic Sciences. Code 801. (in Persian)
- Rezaei, A. A. (2016). Realization of Islamic civilization and religious science: Desirable driver in the internal stability of the system. *Information Base of the Academy of Islamic Sciences*. Code 652. (in Persian)
- Sobhani, M. T. & Hossein, S. A. (2013). Examining the orientation of experimental sciences from the perspective of some contemporary thinkers: Ayatollah Javadi Amoli, Dr. Soroosh, and Hojjat al-Islam wa al-Muslimin Mirbagheri. *Scientific-Research Quarterly on Methodology of Human Sciences*, 77, 93-104. (in Persian)
- Supreme Assembly of Islamic Wisdom. (2014). *Religious science: Perspectives and analyses*. Qom: Islamic Wisdom Publishing. (in Persian)
- Weberich, M. (1993). Theorizing: Concepts and hypotheses in political sciences. *Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*, 30, 229-248. (in Persian)
- Zahd Zahdani, S. (2022). Methodology of human sciences with a social approach (Introduction of a study model). *Quarterly Journal of Fundamental Research in Human Sciences*, 26, 32-46. (in Persian)